

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چهار فصل جهاد

مرحله جهاد اقتصادی در زندگی
شهید حاج آقا نورالله نجفی صفهانی

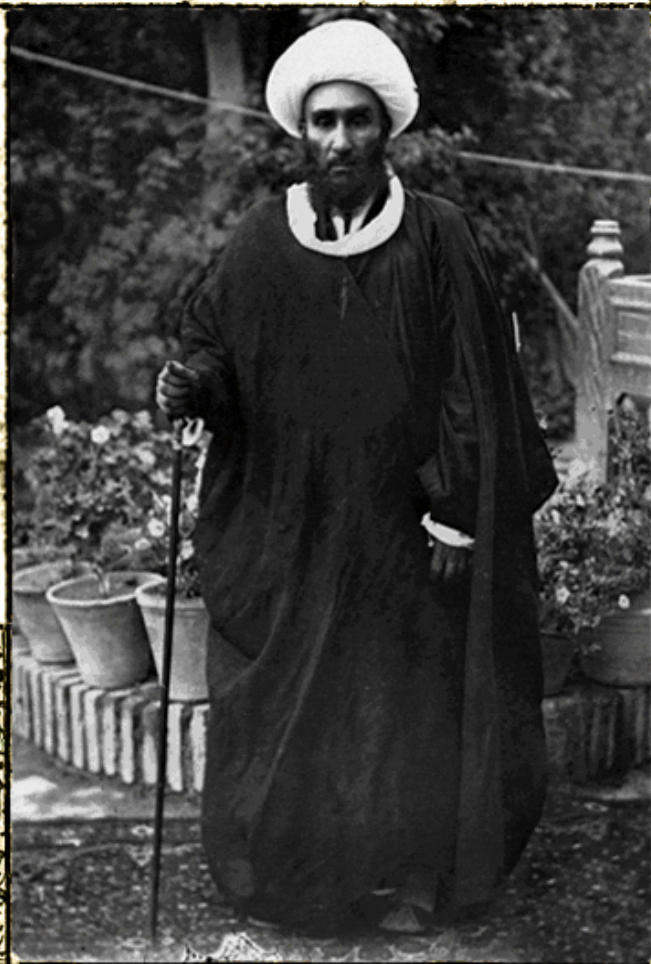


مقام معظم رهبری:

نکته‌ی دیگری که در مورد حاج آقا نورالله هست، روشن بینی و روشنفکری است. ببینید این مبارزاتی که با فرنگی‌ها و با خارجی‌ها و با نفوذ اجانب در کشور از طرف علما انجام گرفته، به خصوص در قضیه‌ی مرحوم حاج آقا نورالله، مسئله فقط یک جنگ مذهبی نبوده؛ یعنی دعوی این نیست که مسیحی‌ها می‌خواهند بیایند غلبه پیدا کنند؛ پس دعوا، دعوی مذهبی نبوده، بلکه دعوا، سر همان چیزی است که ما امروز از مسئله استقلال می‌فهمیم؛ یعنی سلطه‌ی اقتصادی، سلطه‌ی فرهنگی، سلطه‌ی سیاسی، سلطه‌ی اجتماعی و نفوذ ویران کننده و خانه براندازی که غرب در دنیا داشته - آن دوره، دوره‌ای بود که غرب با نشاط و با سرزندگی داشت می‌آمد و حالتی تهاجمی داشت - این‌ها این را می‌دیدند؛ این را می‌فهمیدند.

مرحوم حاج آقا نورالله از آن شرکتی که احداث می‌کند، از آن حرف‌هایی می‌زند، از آن گفتگو‌هایی که در کتاب «مسافر و مقیم» مطرح می‌کند نشان می‌دهد که مرد بسیار روشن‌بین، بسیار آگاه و متوجه ابعاد سلطه‌ی بیگانه است. استعمارگری و سلطه‌ی فرهنگی و نفوذ در ارکان حیات مدنی کشور بود که این بزرگان را حساس می‌کرد و وادار می‌کرد به این که مقابله کنند و مقاومت کنند.

در نهضت تحریم تنباکو، علمای شهرهای ایران با حکم تحریم میرزای شیرازی توانستند ضربه‌ی بزرگی را به بیگانگان وارد سازند و برای اولین بار به صورت متحد و مؤثر در مقابل سلطنت بایستند. به دنبال نهضت تنباکو، این اندیشه در ذهن آقا نجفی و برادرش حاج آقا نورالله شکل گرفت که می‌توان ابعاد این تحریم را به کالاهای دیگر گسترش داد. سپس جهت تحقق این تحریم برای سازندگی و خودکفایی داخلی، برنامه‌ریزی و اقدام کردند. مبارزه و تحریم اجناس خارجی از یک طرف و تلاش برای سازندگی و خودکفایی کشور از سوی دیگر، اساس مبارزه‌ی اقتصادی آقا نجفی و حاج آقانورالله را تشکیل می‌داده است.



خلاصه

ویژه‌نامه‌ی «چهار فصل جهاد» (مراحل جهاد اقتصادی در زندگانی شهید حاج آقانورالله اصفهانی) به مناسبت چهارم دی ماه، سالگرد شهادت حاج آقانورالله اصفهانی تنظیم می‌گردد.

این ویژه‌نامه شامل قسمت‌های زیر است:

۱. بهار: نهضت تحریم تنباکو را می‌توان سرآغاز بیداری اسلامی ایرانیان دانست. در رأس این قیام، برادر بزرگتر حاج آقانورالله، مرجع بزرگ شیعه، آقانجفی اصفهانی حضور داشته است. به حکم وی، اصفهان آغازگر فتوی به تحریم بوده است.
۲. تابستان: شرکت اسلامی به همت آقانجفی و حاج آقانورالله و با وحدت بازاریان و حمایت علما تاسیس می‌شود. این حرکت در راستای تقویت اقتصاد داخلی بوده و از پیامدهای مبارک نهضت تحریم تنباکو می‌باشد.
۳. پاییز: تحریم کالاهای خارجی به منظور حمایت از تولیدات داخلی و مقابله با نفوذ اجانب ادامه می‌یابد. علمای اصفهان در صدر این جریان قرار دارند. انگلستان و روس از این وضعیت احساس خطر می‌کنند.
۴. زمستان: قیام قم در سال ۱۳۰۶ به رهبری آیت‌الله حاج آقانورالله علیه سیاست‌های رضاشاه پهلوی توسط علمای اصفهان انجام گرفت و با شهادت ایشان در قم توسط پزشک احمدی پایان یافت. امام خمینی این قیام را اساسی‌ترین قیام علیه رضاشاه می‌دانند.

بهار

نهضت تحریم تنباکو

آغاز ماجرا

وقتی ناصرالدین شاه با جمعی از دولت مردان قاجاری برای سومین بار به سیر و سیاحت فرنگستان رفت، نمک گیر پذیرایی های میزبانان انگلیسی خود شد. او پس از بازگشت، امتیاز کشت، خرید و فروش تنباکو و توتون سراسر ایران را به یک شرکت انگلیسی به نام شرکت رژی و شخص تالبوت، سرمایه دار معروف انگلیس، واگذار کرد. به موجب این قرارداد، امتیاز خرید و فروش داخلی دخانیات ایران و صدور آن به خارج برای مدت پنج سال به شرکت مذکور واگذار شد.

به دنبال اعطای این امتیاز، کارکنان خارجی به عنوان عوامل کمپانی رژی به ایران آمدند و به بهانه های اجرای قرارداد در مراکز مهم و نقاط حساس کشور مستقر شدند و شروع به فعالیت کردند.

در کتاب تاریخ دخانیه آمده است: «پس از هفده ماه از معاودت همایونی از فرنگستان، هیئت کمپانی امتیاز دخانیات وارد ایران شدند ... پیش از این، فرنگی ها در همه جای ایران خیلی زیاد بودند. اینان نیز اضافه شده، ایران، فرنگی بازار درست و حسابی گردید. ... درجه ی ذلت و ضعف مسلمانان و پایه ی اقتدار فرنگیان در ایران بالعیان مشهود می شد و گرنه گفتار و بیان در شرحش وافی نتواند بود.»

غلبان ملت و خاموشی قلبان ها

اعتراض ها و انتقادهای به قرارداد رژی در اصفهان - همچون شهرهای دیگر - شدت گرفت. پس از این که اعتراض های مسالمت آمیز مردم و علما به قرارداد رژی به نتیجه نرسید، آقاجنقی اصفهانی دریافت که جز راه مقاومت و مبارزه مردمی، راهی برای جلوگیری از نفوذ بیگانه به خصوص در این واقعه نیست؛ بنابراین دست به مبارزه منفی زده، حکم به تحریم استعمال تنباکو کرد. چنان که از اسناد و متون تاریخی برمی آید، حکم تحریم تنباکو از سوی مرحوم آقاجنقی، مدتی قبل از حکم مرحوم میرزای شیرازی بوده است، و مردم اصفهان، قبل از حکم میرزا، از استعمال توتون و تنباکو خودداری می کردند. این نکته که آقاجنقی اولین مرجعی است که حکم به تحریم تنباکو داده، مورد اتفاق

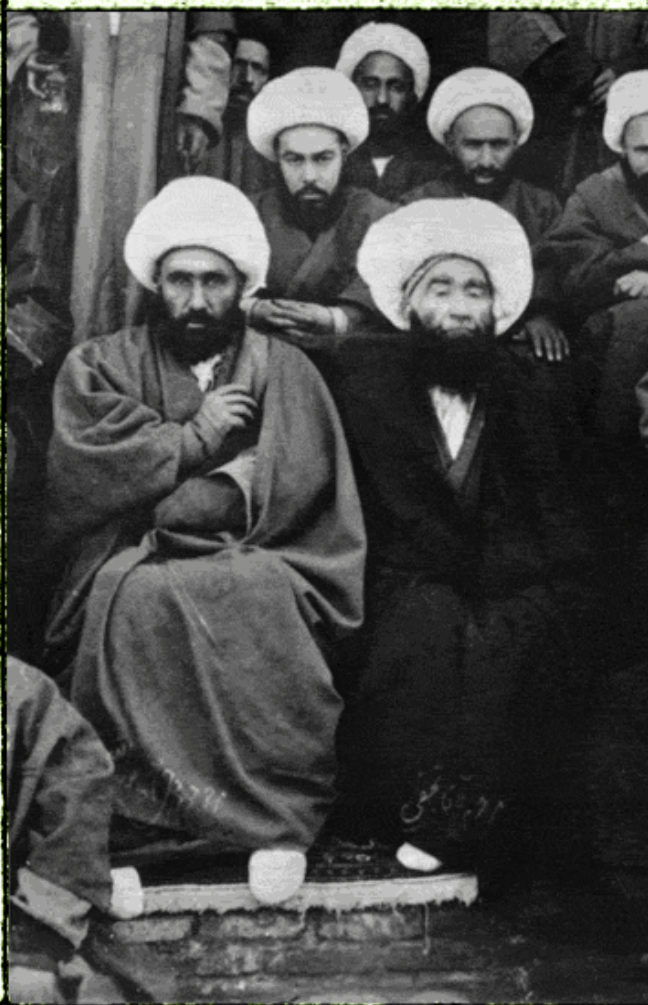
مورخین می باشد.

در گزارش یکی از کارکنان انگلیس نیز چنین نوشته شده است:

«شیوع و گسترش حکم تحریم آقاجنقی و حتی صحبت درباره آن در شهرهای دیگر، باعث وحشت و شکست کار کمپانی می شده است. لذا لزوم لغو حکم تحریم و - در صورت عدم پذیرش لغو - تبعید آقاجنقی و حتی توب بستن منزل ایشان، با شدت عمل، مورد توصیه قرار می گرفت.»

آیت الله شیخ محمد تقی آقاجنقی اصفهانی در اصفهان، آیت الله سید علی اکبر فال اسیری در شیراز، آیت الله میرزا حسن آشتیانی و آیت الله شیخ فضل الله نوری در تهران، آیت الله میرزا جواد آقا مجتهد تبریزی در تبریز و نیز در سایر شهرهای کشور در مساجد و منابر در باب مضرات این امتیاز خفت بار و تأثیر نامطلوب آن بر جامعه ی ایران سخنان شورانگیزی ایراد می کردند و مخالفت خود را با این امتیاز آشکارا اعلام نمودند. شدت هیجان مردم در مخالفت با امتیاز به گونه ای بود که در خارج از کشور نیز شخصیت مبارزی چون سید جمال الدین اسدآبادی به هیجان آمد و این حرکت را بهترین شیوه ی مبارزه با استعمار در سایر کشورهای اسلامی اعلام کرد.

نهضت تحریم اصفهان همچنان ادامه یافته، علما و در رأس آنان آقاجنقی ثابت و استوار در حکم خود باقی ماندند. در این زمان زمینه ی یک قیام سراسری در ایران فراهم شده بود، امری که با حکم تحریم از جانب مرجع کل و رئیس علی الطلاق شیعه، میرزا محمد حسن شیرازی انجام شد.



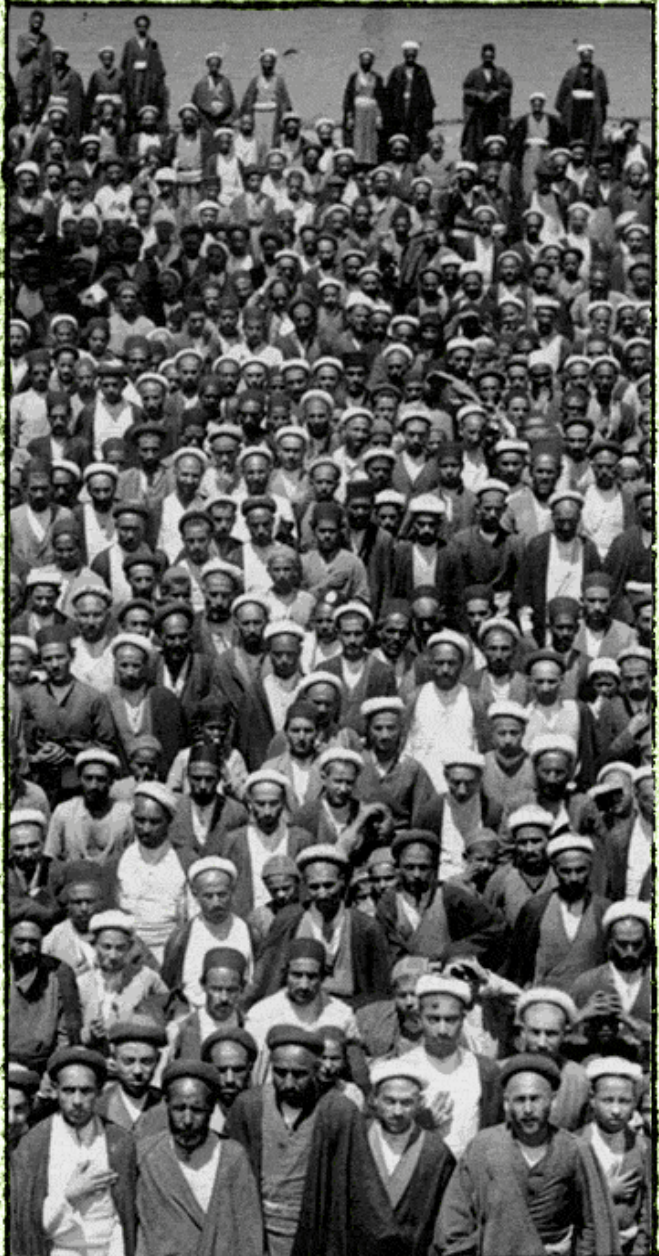
حکم میرزای شیرازی در سامرا و زلزله در ایران

ورود میرزای شیرازی به عنوان نایب امام زمان (عج)، به نهضت رنگ و بوی خاصی بخشید. وی طی نامه‌ای به ناصرالدین شاه، به آثار زبان-بار این قرارداد اشاره کرد.

نصیحت وی در شاه اثری نکرد و دولتیان از در تهدید و ارباب مردم درآمدند و میدان عمل بیگانگان در ایران نه تنها محدود نشد، بلکه وسعت بیش‌تری پیدا کرد. متعاقب آن، ناگهان حکمی در سراسر کشور منتشر شد که نه تنها قبل از آن در تاریخ ایران سابقه نداشت، بلکه بعدها نیز ایران چنین حکمی را به خود ندید. حکم میرزا خلاصه، کوتاه و شکننده بود:

«بسم الله الرحمن الرحيم، اليوم استعمال تنباکو و توتون بأی نحو کان در حکم محاربه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه است.»

این حکم عواطف، احساسات و اعتقادات شیعیان را تکیه‌گاه نهضت ساخت و هم چون صاعقه‌ای شرریار بر خرمن استبداد و استعمار فرود آمد. دامنه‌ی نفوذ این حکم در جامعه‌ی ایران از زبان مورخان شنیدنی است:



اعتمادالسلطنه در روزنامه‌ی خاطرات می‌نویسد:

«طوری مسئله‌ی تنباکو مهم است که حتی اندرون شاه به هیچ وجه نمی‌کشد. شنیدم شاه فرموده بود به زنان خودش که کی قلیان را حرام کرده؟ بکشید...! یکی از خانم‌ها عرض کرد: همان کسی که ماها را به شما حلال کرده... شاه فرمود: من می‌کشم، شما هم بکشید...! یکی از زن‌ها گفت: تکلیف مردم این نیست که تقلید شما را بکنند.»

امین‌الدوله در خاطرات خود می‌نویسد:

«فرنگی‌مآبان، یعنی جوانان بی‌مبالات زمان نیز که به فرایض و مستحبات دینی اعتقاد و اعتنا نداشتند، به اهل دین و آیین مقدسان تأسی کرده و سیگار و سیگارت نکشیدند. قهوه‌خانه‌ها بسته ماند و دل تریاکیان شکسته.»

شیخ حسن کربلایی در کتاب تاریخ دخانیه می‌نویسد:

«کار به جایی رسید که یهود و نصاری نیز به متابعت از اسلام، دخانیه را در ظاهر متارکه نمودند. حتی اوباش گفته بودند که اگر هر گناهی مرتکب شویم، امید بخشش و شفاعت داریم اما اگر قلیان بکشیم، چه کسی ما را شفاعت می‌کند؟ نقل است ضل‌السلطان، حاکم مستبد اصفهان، به آیت‌الله آقاجنقی اصفهانی پیغام داده بود: شراب که از تنباکو نجس‌تر است. همان قدر که در باب نهی شراب می‌گویید، در باب تنباکو هم بگویید. این اقدامات چه چیز است؟ آقاجنقی، جواب داده بود: «تکلیف شرعی ما این است؛ شما به تکلیف عرفی خودتان اقدام کنید.»

ناصرالدین شاه مجبور به عقب‌نشینی شد و با صدور دست‌خطی در مقابل اراده‌ی میرزای شیرازی و قیام عمومی ملت اعلام عجز کرد و فرمان لغو قرارداد رژی را صادر کرد.

جمع بندی

یکی از مهم‌ترین ابعاد مبارزات مردم اصفهان علیه استعمار، مبارزه با بُعد اقتصادی نفوذ فرنگیان در ایران بوده است، و در این راستا، جنبش تنباکو از نقاط عطف تاریخی مبارزات مردم این شهر می‌باشد. ناعادلانه بودن قرارداد از یک سو و ضررهای اقتصادی زیادی که در نتیجه اجرای قرارداد «رژی» متوجه مردم ایران به‌ویژه کشاورزان و تاجران می‌شد، مسأله‌ای نبود که علمایی چون آقاجنقی اصفهانی آن را نادیده بگیرند.

اما دلیل ایستادگی و مقاومت علما در برابر این قرارداد، فقط ناعادلانه بودن و ضرر اقتصادی آن نبود، بلکه سلطه‌ی بیگانگان در ابعاد مختلف فرهنگی و سیاسی بود. سلطه اقتصادی کفار خود به تنهایی می‌تواند موجب صدور حکم تحریم کالاهای آنها شود، اما در قضیه‌ی تنباکو، سلطه اقتصادی، به تنهایی موجب تحریم نشده، بلکه سلطه فرهنگی و سیاسی نقش بیشتری در صدور حکم تحریم داشته است.

از جمع‌بندی مطالب و اسناد ذکر شده، نکات ذیل به دست می‌آید:

۱. رهبری آقاجنقی در قیام اصفهان؛
۲. حضور مردم و پایداری آنان؛
۳. وحشت حکومت و استفاده از قوه‌ی قهریه و نیروی نظامی در جهت مقابله با مردم؛
۴. عجز حکومت از سرکوبی مردم و تداوم قیام؛

تابستان

شرکت اسلامی

تاسیس شرکت اسلامی و راز موفقیت آن

یکی از نتایج مهم جنبش تنباکو، تقویت این فکر بود که جهت رفع وابستگی به بیگانگان، لازم است وسایل مورد نیاز جامعه ایران، در داخل کشور تولید شود. در همین راستا شرکت‌های اقتصادی و تولیدی به وجود آمدند. یکی از بزرگترین آنها «شرکت اسلامی» در اصفهان بود. این شرکت با هدف تأمین منسوجات مورد نیاز مردم مسلمان ایران، با تلاش و حمایت علمای اصفهان، به ویژه حاج آقا نورالله و آقا نجفی اصفهانی، در سال ۱۳۱۶، تأسیس شده، به تدریج شعبه‌هایی در برخی شهرهای دیگر و حتی خارج کشور به وجود آورد.

در واقع، پس از قیام تنباکو و بروز فواید آن، حاج آقا نورالله و آقا نجفی، این‌گونه برنامه‌ریزی می‌کنند که علاوه بر عدم حضور کالاها و منسوجات خارجی در زندگی مردم، می‌توان امکانات و توانایی‌های داخلی را در جهت تولید، متحد کرد و مردم را برای حمایت از آن تشویق نمود. بدین ترتیب می‌توان تحریم کالاها را عملی کرد. در آن دوران، اساس تجارت، دلالتی تجار از اجناس فرنگی بوده و به گفته حاج آقا نورالله، بازرگانان ایرانی، عمده‌های خارجی شده بودند و شکوه و جلال اروپایی‌ها، از طریق کالاهایشان در ایران جلوه‌گری می‌کرده است. در چنین زمانی شرکت اسلامی در اصفهان تأسیس می‌شود و به تدریج حوزه عمل خود را به سایر شهرها و سپس به کشورهای خارجی گسترش می‌دهد. تولیداتش همه‌جا حضور و گسترش یافته، به حدی که یکی از رونامه‌های انگلیس، رشد آن را سکنه به منافع انگلیس در اصفهان و بلکه کل منطقه خلیج فارس اعلام می‌نماید.

روزنامه‌ی حبل‌المتین از دامنه‌ی نفوذ شرکت اسلامی تا به مدارس این‌گونه خبر می‌دهد:

لباسی که مدرسه به شاگردان می‌دهد سالی دو لباده‌ی زمستانی و تابستانی و عمامه و یک کلاه و زیرعمامه و دو جفت پافزار. و تمام این اجناس باید ساخت داخل ایران باشد. لباده‌هایی که به شاگردان داده می‌شود، همه از شرکت اسلامی هستند. این لباس را شاگردانی دوخته‌اند که در مدرسه، خیاطی آموخته‌اند و عمامه هم دوخت اصفهان است. اگر مدرسه بیشتر توانایی پیدا کند، پیراهن و شلوار هم



کتابچه نظامنا
مکتب اسلام اصفهان

تجدید اخوت و عهد شرکست و انجمنه فی بین ملا و امام بازرگان و نماینده الاشراف است
از خواص مردم بیاری و یادری حضرت امام زمان سلوات الله و سلسله علیّه بوجوب
مضرب ذیل الکتاب

فصل اول
اسم و مورد عنوان کتاب و نکات (شرکت اسلامی) پیشه
فصل دوم
بر حسب تجویز و تصویب‌های معظم بافت و تاسیس شرکت اسلامی
شرکت در عمده جناب است نایب تجارت نسبت حاج میرزا محمد تقی میرزا کاندانی است که ریاست
امانه پیدا کردی مسوولیم بود. ایشان و دفتر ایشان در تهران است
فصل سوم
کلاه‌های اوار شرکتی اصفهان و خوبان و بود و دست بوجوب ذیل است
بنیت استعانت از راجح حاجی میرزا محمد حسنی، بحر اصفهان
جناب است کتاب آثار راجح حاجی میرزا محمد حسنی

برای شاگردان دوخته می‌شود. (حبل‌المتین، سال ۷، شماره ۱۰)
شرکت اسلامی در ابتدا در اصفهان و به همت علمای آن شهر و بازاریان وطن دوست، تشکیل شد اما به سرعت توانست در شهرهای زیر نمایندگی داشته باشد:
لندن، کلکته، بمبئی، مصر، اسلامبول، بغداد، مسکو و ...

حمایت علمای اسلام از شرکت اسلامی

هدف شرکت اسلامی حمایت از تولید داخلی بود. هنگامی که انگلیسی‌ها توانسته بودند که بخش اعظمی از بازار داخلی پارچه‌ی ایران را به دست آورند، این حرکت برای جلوگیری از نفوذ و سلطه‌ی بیگانگان انجام گردید. علما و مراجع شیعه نیز از این اقدام وطن‌دستان اصفهانی، حمایت کردند. برخی از مراجع تقلید از شهر نجف، پیام‌هایی مبنی بر حمایت از شرکت اسلامی صادر کردند و سایرین را به حمایت از این حرکت ملی دعوت کردند. اسامی مراجع حمایت‌کننده از شرکت اسلامی عبارت است از:

- آیت الله العظمی محمد کاظم خراسانی معروف به آخوند خراسانی
- آیت الله العظمی سید محمد کاظم یزدی
- آیت الله العظمی ملا عبدالله مازندرانی
- آیت الله العظمی فتح الله شریعت اصفهانی معروف به شریعتمدار
- آیت الله العظمی حسین نجل حاجی میرزا خلیل
- آیت الله العظمی محمد حسین نوری معروف به محدث نوری



در رأس این حرکت در اصفهان نیز، آیت الله العظمی محمد تقی نجفی معروف به آقاجنقی اصفهانی حضور داشت که به واسطه رهبری او، این اتحاد شکل می گرفت. پیش تر نیز به نقش آقاجنقی در رهبری مردم اصفهان در جریان نهضت تنباکو اشاره کردیم.

روزنامه‌ی «ثریا» می نویسد:

... رؤسای روحانی ملت ایران، معنی وطن و ترقی آن را شناخته و در صدد رسیدن به آن، برآمده اند. اگر نام مبارک آقاجنقی - مدّ ظلّه العالی - را سرآغاز تاریخ ترقی ایران قرار دهیم، شایسته و سزااست.

(۱۰ جمادی الثانی ۱۳۱۷)

روزنامه «حبل المتین» به نقل از خبرنگار خود در اصفهان می نویسد:

آقاجنقی عنوان مفصلی را در مورد ترک منسوجات و مصنوعات خارجه و ترویج کالاهای ایرانی مطرح کردند. بیست و هفت مورد از قرآن که در منع معاشرت خارجه است آورده اند و با بیانی مفصل و قابل فهم برای عام، ارشاد فرموده اند. علمای اسلام در این شرکت مقدس شخصاً شرکت مالیه نموده اند و از تشویق عموم به کالاهای ایرانی و دوری از کالاهای خارجی، دقیقه ای فروگذار نمی کنند.

آقاجنقی و حاج آقانورالله و سایر علمای اسلام در راه این شرکت مقدس، از هستی خود گذشته اند. (حبل المتین شماره ۲۰ ۱۳۱۶ سال) راز موفقیت شرکت اسلامیه تیزیینی و درایت مؤسسانش در جلب حمایت همه جانبه ی مردم از محصولات تولید شده ی آن بود. هیچان و شوق زائدالوصف که از ویژگی دین خواهی و وطن دوستی مردم برمی - خاست با غرور ملی می آمیخت و کالای تولید شده در وطن را - اگر چه کیفیتی برابر با کالای خارجی نداشت - ترجیح داده و با افتخار مصرف می کردند. اگر این حمایت مردم همراه شرکت نمی بود، حرکتش متوقف می گردید و مانند برخی از جوشش های ملی، منشأ اثر چندانی نمی شد؛ اما عمق و تأثیر این حرکت به نحوی است که خبرنگار روزنامه ی ثریا از اصفهان گزارش می کند که:

جوشش در میان کلیه ی اهالی اصفهان برای حفظ وطن و رفع احتیاجات آن مشاهده می شود و این جوشش نه تنها از یک طبقه است، بلکه هر روز توسط یک گروه و صنفی به ظهور می رسد. علمای بزرگوار هر روز بر فراز منبر و در مجالس، مردم را به حمایت از صنایع داخلی تشویق می کنند. شرکت اسلامیه همچون گیاه بهاری در حال پیشرفت است.

مردم خواهان خرید سهام این شرکت هستند و به زودی این شرکت پیشرفت خوبی خواهد داشت و آثارش از همین حالا آشکار شده است. (ثریا ش ۴۶ ص ۱۰)

استفاده از کالاهای شرکت اسلامیه، به سرعت، یک جریان و حرکت عمومی در سراسر کشور شده، موج آن به نجف اشرف رسیده، مراجع بزرگ شیعه عمدتاً بر مبنای اصول فقهی ناظر به کفار، به حمایت از آن برمی خیزند. تعمق در اسناد این شرکت که حد فاصل بین قیام تنباکو و نهضت مشروطیت بوده است، ابعاد این حرکت را روشن می سازد. در این قسمت، عمده توجه - علاوه بر نتایج اقتصادی که می توانسته گسترش این حرکت در ایران عصر قاجار داشته باشد - نوع نگرش و تفکر و فرهنگ سازی ملی و بومی این حرکت است، که از مقاومت و سالم سازی جامعه ی اسلامی ایران از دستبرد شرکت های خارجی خبر می دهد؛ از همه مهم تر، ارائه ی این تفکر که برای رفع نیازهای یک جامعه، نگاه به بیرون از مرزها چیزی جز ایستایی و توقف نخواهد بود.

واکنش انگلیسی ها به شرکت اسلامی

طبیعی است که انگلیسی ها با این حرکت مخالف باشند. بدون شک انگلیس ها نسبت به حرکتی که به استقلال و رشد ایران کمک کند، بی - تفاوت نیستند. برای همین است که سفارت انگلیس در یادداشتی به وزارت امور خارجه می نویسد:

از قرار اطلاعاتی که از اصفهان می رسد، علمای آنجا بیشتر بر ضد تجارت خارجه می باشند. مخصوصاً که می گویند کالای خارجی نجس است. در مساجد و سایر نقاط نیز علناً می گویند که مردم نباید کالای خارجی را بخرند. علما از اشخاص معتبر که امتعه ی خارجه می خرند، بد می گویند. آن ها هم از این جهت جرأت خرید ندارند.

قنصل روس در اصفهان به سفارت خود نوشته است که جناب حاج آقا نورالله در مسجد چند روز قبل از این گفته بوده که این اقدام، اقدامی وطن خواهانه است که تجارت داخلی را تشویق می کند. مشتریان ایرانی می گویند که اگر این طور شود، باید با خارجی ها قطع ارتباط کنند. مگر این که آقایان را متقاعد کنند که ضدیت نکنند. این مساله نهایت اهمیت را دارد. شرکای ما ورشکست خواهند شد و تجار خارجی، خانه های خود را از اصفهان بر خواهند داشت و در شهرهای دیگر ایران هم همین طور خواهد شد.

سرکار شرکت اسلامی اصفهان
 مساعی و کسبه و تجاره هزاران راجع خرد و بزرگ پاره پاره است که در دسترس مردم است و در دسترس مردم است
 و این در وقت کم سهم است و در زمان در وقت کم سهم است و در وقت کم سهم است
 بسط و دوران و جرایع ایران که بر سر آن نموده و در سر آن نموده است
 و کان و نکت فی نوم و در وقت کم سهم است و در وقت کم سهم است
 در وقت کم سهم است و در وقت کم سهم است

روزنامه‌ی ثریا در مورد انعکاس خبر شرکت اسلامیة در لندن، آورده است:

در خصوص شرکت اسلامیة اصفهان، گذشته از آنچه خبرنگار ما می‌نویسد، از بعضی روزنامه‌های خارجی هم معلوم می‌شود که این شرکت دارای اهمیت است. چنان‌که روزنامه‌ی تجارتی لندن می‌نویسد: معلوم می‌شود ایرانیان اندک اندک از خواب غفلت بیدار شده و قدر و اهمیت تجارت، به خصوص اهمیت شرکت را دانسته‌اند. چیزی که اهمیت دارد آن است که علمای این ملت نیز در آن شرکت مشوق هستند، و اگر این شرکت معتبر شود، سکنه‌ی بزرگی به تجارت انگلیس در اصفهان، بلکه در خلیج فارس وارد می‌آید. باید تجار ما نوعی رفتار کنند که در آینده بازار تجارتشان از رونق نیفتد، و الا عین قریب باید منتظر خیر بود که بازار تجارت ما در اصفهان بسته شود. (روزنامه ثریا، ش ۴۶، ص ۱۱)

اهداف عالی شرکت اسلامیة

اندیشه‌ی بهبود وضع اقتصادی کشور و استقلال ملی در زمینه‌های گوناگون همچون احداث صنایع ملی و کارخانجات و گرفتن امتیاز از دولت برای توسعه‌ی عمران کشور، شرکت اسلامیة را به میدان‌های جدید فعالیت تشویق نمود؛ در این مورد به نقل از یکی از مطبوعات آن زمان می‌خوانیم که:

... به موجبی که اطلاع حاصل نموده‌ایم، شرکت اسلامیة اصفهان در صدد حصول امتیاز ساختن راه آهن محوطه‌ی اصفهان از اولیای امور شده‌اند. بعضی از دانشمندان سه سال است که این خیال را داشته‌اند. این ایام ان شاء الله توسط شرکت اسلامیة از قوه به فعل برسد و ملت را فایده‌ی فراوان حاصل کند. شرکت اسلامیة روز به روز در ترقی است. اهالی اصفهان گویا بیدار شده‌اند و علت بیداری تمام اهل ایران شوند.

کمیانی دیگری به نام محمودیه دایر شده. امید است صدها کمیانی در اصفهان دایر شود، و ما دیگر محتاج خارجی نباشیم. انجمن معارف طهران نیز می‌خواهد در اصفهان، مدارسی افتتاح کند. ان شاء الله به زودی مدرسه‌های ملی داشته باشیم تا نواقص این ملت رفع شود. اینها را از اثر کلمات علمای اعلام باید دانست. (حبل المتین ۲۵ محرم ۱۳۱۷)

سخن را در مورد شرکت اسلامیة با یک هشدار تاریخی به پایان می‌بریم تا ژرفبینی بانیان این تفکر خودجوش را متوجه شویم:

آن چه تا کنون رخ داده است از نتایج سحر است و امیدواری ما به صبح صادق است. موانع پیشرفت ما در دو چیز است: یکی - تقلب نساج‌ها و دباغ‌ها و دوم نداشتن نیروی متخصص صنعت در این صنایع.

به عبارت دیگر کمبود دانشمندان در زمینه‌ی صنعت در ایران موضوع مسلم است. پیش‌تر هم کارخانه‌ی بلورسازی و شمع‌سازی و قندسازی تهران تا حدی ما را از خارجی‌ها بی‌نیاز کرد، ولی به دلیل کمبود علم، این کارخانه‌ها از بین رفت و اجزای آن کارخانه‌ها، زیر خاک پوسید.

فرضا کارخانه‌ی ریسمان‌سازی با هزاران زحمت از خارج آوردیم؛

اما چاره‌ای نداریم جز آن که متخصصان آن را هم از خارج بیاوریم تا کارخانه نخواهد. اگر آن خارجی نباشد، کاخانه باید بخوابد تا هنگامی که متخصص دیگری از کشوری دیگر بیاید و کارخانه را احیا کند. اگر قطعه‌ای از این کارخانه کم شود و یا خراب شود، پس باید منتظر شوند و طبیعت از خارج بیاورند تا مریض را معالجه کند!

پس باید اول روح کارخانجات را ساخت؛ یعنی کارخانه‌ی واقعی، یعنی دارالعلوم را باید برپا کرد. و این ممکن نیست مگر آن که مکتب‌های ابتدایی را افتتاح کنیم و سپس افراد مستعد را به زاین بفرستیم تا در صنعت بیاموزند و سپس به مملکت برگردند. ما بی‌نهایت معدن در کشورمان داریم که از آن‌ها استفاده‌ی نمی‌کنیم. و اگر یک قطعه‌ی کوچک از دستگاه‌های ما خراب شود، باید به دولت بلژیک التماس کنیم تا با مبلغ بسیار گرانی، آن را به ما بدهند. پس تکلیف اول شرکت اسلامیة آن است که این جماعت با استعداد را شناسایی کند و آن‌ها را به خارج بفرستد تا علم معدن و صنعتگری بیاموزند. هم‌زمان باید در داخل، مکاتب ابتدایی این فنون کار خود را شروع کند. در این صورت بنایی محکم حاصل شده است. اگر ما از کوه‌های خودمان، آهن استخراج کنیم، از همان آهن هم صنعت ما تاسیس می‌شود.

اگر کسی بگوید این کارها زمان زیادی می‌طلبد، حرف درستی است. اما اگر غیر از این کاری کنیم، راه ترکستان پیموده‌ایم. البته منظور آن نیست که شرکت از کارهای خوب حال حاضرش دست بردارد. بلکه لازم است که هر روز بر اقدامات خویش بیفزاید و اصل بنا را محکم کند. اگر علمای اسلام عنایت کنند، می‌توان هزینه‌ی این شاگردان را فراهم کرد. و اگر ملت را تشویق نمایند، احتمال دارد که خیرخواهان وطن سرمایه‌ی این کار را فراهم کنند. خلاصه‌ی کلام آن که ما وقتی از بیگانگان بی‌نیاز می‌شویم که علم این فنون را بیاموزیم. وظیفه‌ی ما گفتن است و ما هم می‌گوییم.

اما اگر عجله دارید، می‌توانیم معلم از فرنگ بیاوریم و به دانش‌آموزان در داخل، درس بدهیم. در بمبئی، فارسی‌زبانانی هستند که توانایی‌های فراوانی در علم و صنعت دارند. آن‌ها این علوم را به فرزندان خود یاد می‌دهند، و در نهایت قوه‌ی جاذبه‌ای باید باشد تا دانش‌آموختگان به وطنشان، راغب بمانند.

(روزنامه حبل المتین س ۷ ش ۲۰ ص ۱۶)



پایین

تخریب کالاها خارجی

این سند که مربوط به اواسط جمادی الاول ۱۳۲۴ یعنی در آستانه مهاجرت علمای تهران به قم (مهاجرت کبری) است، توافق و تعهد آقاجنقی و ۱۲ نفر دیگر از علمای اصفهان مبنی بر پرهیز از کالاهای خارجی را بازگو می‌کند:

«این خدام شریعت مطهره با همراهی جناب رکن‌الملک متعهد و ملتزم شرعی شده‌ایم که مهما ممکن بعد ذلک تخلف نماییم. فعلاً پنج فقره است:

اولاً: قبالات و احکام شرعیه، از شنیه به بعد روی کاغذ ایرانی بدون آهار نوشته شود. اگر بر کاغذهای دیگر نویسند، مهر نموده و اعتراف نمی‌نویسیم. قباله و حکمی هم که روی کاغذ دیگر نوشته بیاورند و تاریخ آن بعد از این قرارداد باشد، امضا نمی‌نماییم؛ **حرام نیست** کاغذ غیر ایرانی و کسی را مانع نمی‌شویم، [اما] ماها به این روش متعهدیم. ثانیاً: کفن اموات، اگر غیر از کرباس و پارچه‌ی اردستانی یا پارچه‌ی دیگر غیر ایرانی باشد، متعهد شده‌ایم بر آن **میت**، ماها نماز **نخوانیم**. دیگری برای اقامه صلوه بر آن میت بخواهند، ماها را معاف دارند.

ثالثاً: ملبوس مردانه جدید، که از این تاریخ به بعد دوخته و پوشیده می‌شود، قرار دادیم مهما ممکن، **هر چه بدلی در ایران یافت می‌شود**، لباس خودمان را از آن منسوخ نماییم و منسوخ غیر ایرانی را نبوشیم و احتیاط نمی‌کنیم و حرام نمی‌دانیم لباس‌های غیر ایرانی را، اما **ماها ملتزم شده‌ایم** حتی المقدور بعد از این تاریخ، ملبوس خود را از منسوج ایرانی بنماییم. **تابعین ماها نیز کذلک** و متخلف، توقع احترام از ماها نداشته باشد. آنچه از سابق پوشیده داریم و دوخته‌ایم، ممنوع نیست استعمال آن.

رابعاً: مهمانی‌ها بعد ذلک ولو اعیانی باشد، چه عامه چه خاصه، باید **مختصر** باشد: یک پلو و یک چلو و خورش و یک افشتره. اگر زاید بر این کسی تکلف دهد، احدی **ماها را به محضر خود وعده نگیرد**. خودمان نیز به همین روش میهمانی می‌نماییم. هر چه کمتر و مختصرتر از این تکلف کردند، موجب مزید امتنان ماها خواهد بود. خامساً: وافوری و اهل وافور را احترام نمی‌کنیم و به منزل او نمی‌رویم؛

زیرا که آیات باهره: «إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ»، «وَلَا تُسْرَفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»، «لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» و حدیث «لَا ضَرَرَ وَلَا ضَارَرَ» **ضرر مالی و جانی و عمری و نسلی و دینی و عرضی و شغلی آن محسوس و مسری است** و خانواده‌ها و ممالک را به بناد داده. بعد از این هر که را فهمیدیم وافوری [است]، به نظر توهین و خفت می‌نگریم.»

بدون شرح:

هنگام بازگشت آقاجنقی از تبعید اول خود به تهران در سال ۱۳۰۷، وزیر مختار انگلیس، نامه‌ای به امین‌السلطان درباره وحشت تجار اروپایی از بازگشت آقاجنقی به اصفهان، نوشت. متن نامه چنین است: «فدایت شوم، از قراری که از اصفهان شنیده‌ام، آقاجنقی در شرف مراجعت به آنجا است؛ چون ورود وی در آن محل، اسباب ظهور اغتشاش است، سکنه اروپایی از این بابت خیلی واهمه نموده‌اند. از خاطر ملوکانه‌ی شما محترماً تقاضا دارم که سد راه فتنه‌انگیزی و فساد شوید و از آمدن مجدد آقاجنقی به اصفهان جلوگیری کنید؛ چون تجارت خارجی اصفهان رو به ازدیاد است و چند تجارتخانه اروپایی در آن محل احداث شده است، خیلی محل افسوس خواهد بود که حادثه‌ای که موجب واهمه سکنه اروپایی آنجا باشد، اتفاق بیفتد. در این صورت آنها از سفارت‌های خودشان حمایت خواهند خواست. زیاده زحمتی ندارد. ۱۴ ذی قعدة ۱۳۰۷، مطابق با جولای ۱۸۹۰.»

حاج آقا نورالله در رساله‌ی مقیم و مسافر خود می‌نویسد:

باید اسباب تجارت داخله را فراهم آورد که از اول صادرات مملکت به قدر واردات باشد.

امروز بر ملت ایران لازم است که در رفع احتیاج از خارجه به قدر مقدور بکوشیم، یعنی لوازم زندگانی را از لباس و فرش و مبیل و اسباب آلات و جنس خرازی از جاقو و مقراض و غیره تا امکان دارد از کالای داخلی خود استفاده نماییم. آنچه در مملکت خود داریم، اگرچه خشن باشد، را استفاده کنیم و در بند ظرافت نباشیم و از خارج نخریم تا سرمایه و نفوذ را به خارج نسپاریم.

یکی از صنعت‌های قدیمی ایران نساجی است و اگر کارخانه‌ی ریسمان و نساجی داشتیم، رفع حاجت و مزید ثروت و ترقی مملکت می‌شد و هم فلاحی که در واقع معدن معتبر ایران است و با این استعداد آب و خاک اگر از روی قانون علمی استخراج این معدن می‌شد، اسباب هزار گونه ثروت می‌شد.



زمستان

قیام مردم



در سال ۱۳۰۶ و در اوائل سلطنت رضاشاه، قیام قم از جانب علمای اصفهان، به رهبری آیت الله حاج آقا نورالله اصفهانی، علیه سیاست های پهلوی صورت گرفت. این قیام که به تعبیر حضرت امام خمینی (ره)، اساسی ترین قیام علمای شیعه علیه رضاخان پهلوی بوده، ابعاد وسیعی در ایران یافت. هرچند قیام اصفهان با سرکوب و حمله شکسته شد ولی از اسناد و مدارک و گزارش مطبوعات دوره‌ی پهلوی می‌توان به عظمت و تأثیر بسیار زیاد آن پی برد.

بهانه‌ی این قیام، مخالفت با قانون نظام اجباری یا همان نظام وظیفه بوده که در آن زمان بسیار خشن و با شدت عمل، اجرا می‌شده است؛ ولی اصل واقعه مربوط می‌شود به اعلامیه‌ی دولت در منع کردن امر به معروف و نهی از منکر که در حقیقت گسترش سانسور و عدم اعتراض به دخالت اجانب بوده است.

خواسته‌های مهاجرین که بیش از صد روز در قم تحصن نموده و تقریباً تمامی علمای بزرگ ایران به آنان ملحق شدند و علمای بزرگ نجف اشرف نیز از آنان حمایت نمودند، چیزی جز سرنگونی رضاشاه و مخالفت با برنامه‌های نظام پهلوی نبوده است. خواسته‌های مهاجرین که به طور کلی محافظت از قوه مقننه، قضائیه و بازگشت به مشروطیت اصیل است، این گونه اعلام شده است:

جلوگیری یا اصلاح و تعدیل نظام وظیفه؛

اعزام پنج نفر از علما، مطابق اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه، به مجلس؛

جلوگیری کامل از منهیات شرعیه؛

ابقاء و تثبیت محاضر شرع؛

تعیین یک نفر به سمت ناظر شرعیات در وزارت فرهنگ؛

جلوگیری از نشر اوراق مضره و خطرناکی که به عناوین مختلف انتشار می‌یافت و تعطیلی مدارس بیگانگان؛

دقت در موارد درخواستی، رشد سیاسی عمیق این قیام را در اوائل سلطنت پهلوی نشان می‌دهد و در حقیقت، این قیام زنده کردن آرمان‌های بیداری اسلامی، حضور مردم و شکستن اختناق و سرکوب دوران رضاشاه را هدف قرار داده است.

شهادت آیت الله حاج آقا نورالله

فرجام اساسی ترین قیام علما و مردم اصفهان علیه دستگاه وابسته‌ی پهلوی، شهادت حاج آقا نورالله بوده که در ۴ دی ماه ۱۳۰۶ در شهر قم واقع گشت.

بر طبق اسناد تاریخی، این جنایت توسط دکتر شفاءالدوله که در تاریخ به پزشک احمدی شهرت دارد، انجام گرفته است. او از طرف دربار پهلوی مأمور می‌شود تا کار قیام را تمام کند. وی با استفاده از موقعیت کسالت مختصر و ضعف ناشی از کهولت سن حاج آقا نورالله با تزریق آمپول ایشان را مسموم می‌کند. سپس به سرعت از قم خارج و به عنوان پاداش جنایت خود به سمت رئیس بهداری منصوب می‌شود.

تزریق مسمومیت‌زای این دکتر آدمکش فوراً اثر نکرد و چند ساعتی بیمار را دچار طول احتضار می‌نماید و پس از ساعاتی ایشان به شهادت می‌رسند. سیداسدالله رسا، مدیر روزنامه‌ی قانون، در یادداشت‌های خود لحظات آخر عمر حاج آقا نورالله را این گونه توصیف می‌کند:

«آدم‌کشی که ماسک پزشکی به چهره خویش زده بود، کار خود را تمام کرد و رفت. گرفتگی و خستگی قلب و تشنج شروع شد. بیمار ناراحت بود و مدام از این طرف بستر به آن طرف می‌غلطید. اگر بستر بیمار از خار مغیلان پر کنید بهتر است تا در خون او سم داخل شود. کار تشنج بالا گرفت و به قدری این رنج بیمار شدید بود که دل سنگ به حال حاج آقا نورالله می‌سوخت. ... به تهران هم خبر داده بودند. حاکم قم و مرحوم شریعتمدار، هر دو به تهران تلگراف کردند که حال آیت الله بد است. دکتر امیراعلم و دکتر لقمان‌الدوله از طرف دربار و علیم‌الدوله از طرف شهربانی به قم حرکت می‌کنند. آن‌ها در راه قم و حاج آقا نورالله در راه مرگ؛ عجب دو راه مختلفی.

دکتر رسید. زبان حاج آقا نورالله بند آمده بود و فقط اثر ناچیزی از زندگی در او دیده می‌شد. از بیمار معاینه دقیق به عمل آوردند. اول فکر آن‌ها این شد که طیب معالج حاضر شود. دنبال شفاءالدوله رفتند هر جا گشتند؛ بلکه تمام قم را زیر و رو کردند؛ پیدا نشد. معلوم شد کار خود را کرده و رفته است. باز در بیدار کردن طیب معالج اهتمام می‌کنند. این اهتمام برای این بود که بفهمند آمپول تزریق شده چه بوده است؟ بی‌هوشی و تشنج شدیدتر می‌شود. لقمان‌الدوله فوراً به اصل منظور پی برده و بدون این‌که از طرز عمل صحبت کند به امیراعلم می‌گوید: «مگر مادر دهر یار دیگر حاج آقا نورالله به وجود بیارند!»

صبح روز اول ماه رجب ۱۳۴۶ قمری، که یکصد و پنجاه روز از عمر مهاجرت به قم می‌گذشت، حاج آقا نورالله در بین شدیدترین آثار تشنج از زندگی چشم پوشید و طائر روح بلندپروازش به آسمان طیران نمود.»



مبارزه با شیوه‌ها

«در سال ۱۳۰۶، اجتماع عظیمی از روحانیون سرشناس شهرهای بزرگ به عنوان اعتراض به تصمیمات و خودکامگی‌ها و خودسری‌های رضاخان تشکیل می‌شود. امام خمینی (۲۵ ساله) فرصت پیدا می‌کند شیوه‌های درگیری قدرت‌های خودکامه با روحانیت متعهد و مبارز پیشگام را از نزدیک ببیند. و متقابلاً شیوه‌های ستیز و مبارزه‌ی روحانیت را با قدرهای زمان از نزدیک تجربه کند...»

(سخنان شهید بهشتی در اجتماع مردم مشهد)



چهار فصل جهاد: ویژه‌نامه‌ی سالگرد شهادت حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی
مسئول ویژه‌نامه: محمود فروزبخش
طراحی گرافیک: سید محمد علی موسویان

WWW.KHANEMASHROOTE.IR